

از جرج فلویید تا آسیه پناهی



از جرج فلویید تا آسیه پناهی

حمید تقوایی

صفحه ۲

قالیباف برتارک اوباشان

شهاب بهرامی

صفحه ۳

آمریکا: فوران شورش و خشم علیه ستم و فقر و تبعیض

کاظم نیکخواه

صفحه ۴

سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی در پلنوم ۵۱

صفحه ۵

مردم کرونا را جدی بگیرند، مسئولان نه!

حسن صالحی

صفحه ۷

بنیادگرایی اسلامی یعنی چه؟

صفحه ۸

به کارزار #من_در_ایران_نمیتوانم_نفس_بکشم_بیوندد!

صفحه ۹

۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴

اطلاعیه ها

جمهوری اسلامی بازهم جنایت آفرید

تعدادی از مهاجرین افغان زنده در آتش سوختند

آمریکا: عصیان اجتماعی - علیه تبعیض، فقر و نابرابری!

شلاق زدن کارگر، با فریاد نابود باد حکومت اسلامی جواب میگیرد

اعتراض و اعتصاب کارگران شهرداری ها در ۱۵ شهر

اعتراضات کارگران پیمانی راه آهن و چند خبر دیگر

اعتراضی کارگری

انصراف جعفر عظیم زاده از حضور در بیدادگاه رژیم

ضمیمه انترناسیونال ۸۷۱ ویژه پلنوم ۵۱

حزب کمونیست کارگری ایران روز سه شنبه منتشر میشود

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۷۱

جمعه ۱۶ خرداد ۱۳۹۹، ۵ ژوئن ۲۰۲۰

شلاق کشیدن بروی کارگران نشانه زبونی حکومت است

پیام حمید تقوایی در محکومیت حکم شلاق علیه کارگر سدیکای شرکت واحد



جوانان و اکثریت عظیم مردم از همان آغاز در برابر این توحش بیخاسته اند.

جنبش کارگری با اعتراضات و اعتصابات بی وقفه اش و با برافراشتن پرچم اداره شورائی در مقابل حکومت اسلامی سرمایه داران قد علم کرده است و به همراه کل جامعه با خیزشهای پیایی و با خواست و شعار سرنگونی کل حکومت پاسخ محکم و کوبنده ای به جانپان حاکم داده است. جمهوری اسلامی دریائی از خشم و نفرت توده مردم را در برابر خود دارد و شلاق کشیدن بروی کارگران بیش از هر چیز نشانگر زبونی و درماندگی او است.

ادامه در صفحه ۲

بنا به اطلاعیه ای که سندیکای شرکت واحد اخیرا منتشر کرده است، جمهوری اسلامی رسول طالب مقدم از اعضای این سندیکا را به ۷۴ ضربه شلاق محکوم کرد و این حکم وحشیانه را به اجرا درآورد. جرم او شرکت در مراسم روز جهانی کارگر در سال ۹۸ بود. این گستاخی و توحش از سوی کارگران و توده مردم بی جواب نخواهد ماند. شلاق کشیدن بروی کارگران نشاندهنده ماهیت ضد کارگری یک حکومت فوق ارتجاعی است که تلاش میکند با توسل به اسلام و قوانین وحشیانه دوران بربریت جامعه را به بند بکشد. اما جامعه، کارگران و زنان و

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

شلاق کشیدن بروی کارگران نشانه زبونی حکومت است

صحبت میکنند و به یکدیگر هشدار میدهند. توسل آنان به احکام و مجازاتهای دوران بربریت تلاش عبثی برای جلوگیری از این روند است. اما حکومت با شلاق کشیدن بروی کارگران تنها سقوط خود را تسریع میکند. این احکام وحشیانه در ذهن توده مردم، کارگران و زنان و جوانان، ثبت میشود و چون باروت انفجارات اجتماعی آتی عمل میکند.

کارگران!

گستاخی حکومت میتواند و باید با اعتراض گسترده و کوبنده ای پاسخ بگیرد. میتوان و باید مجازات عصر حجری شلاق را مانند سنگسار عملاً متوقف کرد. باید با خواست و شعار لغو مجازات شلاق و کلیه قوانین

مسافری و بدنبال آن اعتراضات کوبنده دیماه با شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد، و بالاخره اقدامات و سیاستهای ضد انسانی حکومت که عامل اصلی شیوع ویروس کرونا در ایران بود و فعال شدن نهادهای خودیاری مردمی برای مقابله با این وضعیت، جمهوری اسلامی را با بحرانی عمیق و همه جانبه مواجه ساخته است. تحولات زیر و رو کننده ای در راه است. جانین حاکم این را بخوبی میدانند، و از همین رو با نگرانی از شورش گرسنگان

در شرایط حاضر حکومت به ضعیف ترین و رسواترین و بحرانی ترین موقعیت خود رانده شده است. ورشکستگی و فروپاشی کامل اقتصادی رژیم که هر روز شدیدتر و وخیم تر میشود، اعتصابات و اعتراضات بیوقفه کارگران و برآمدهای جنبش کارگری نظیر اعتصابات هپکو و هفت تپه و فولاد اهواز و مبارزات سراسری معلمان و بازنشستگان، خیرش توده ای در بیش از ۱۵۰ شهر در آبان ماه سال گذشته، جنایت رسوای شلیک به هوایمی



خود به حکومت تحمیل کنیم. دور نیست روزی که مبارزات ما به همراه توده مردم به ستوه آمده از این وضعیت طومار کل جمهوری اسلامی را در هم ببیچد و این نظام را به همراه سیستم قضائی و قوانین و مجازاتهای قرون وسطائی اش به جایی که به آن متعلق است، یعنی به موزه عصر توحش بسپارد.

پیروزی از آن ماست!*

جسدش را تحویل میدهند. ویدئوی آسیه که در بیل لودر نشسته و برسر مامورین تخریب خانه اش فریاد میزند در مدیای اجتماعی پخش شده و به بحثها و اعتراضات زیادی در فضای مجازی دامن زده است.

این دو اتفاق، مرگ آسیه پناهی و جرج فلوید، ظاهراً بسیار متفاوتند اما هر دو از جنایت مشابهی پرده برمیدارند. جنایت علیه انسانهایی که مجرم بدنی میآیند. اگر جرم جرج فلوید پوست سیاه اوست گناه آسیه فقیر بودن او، زن بودن او، و آلودگی نشین بودن او است. در هر دو مورد مامورینی که سیستم و نظام حاکم را نمایندگی میکنند، به بیحقوقترین و تحت ستم ترین اقشار جامعه تعرض میکنند تا نظم و امنیت و موقعیت مسلط اقلیت حاکم را پاس بدارند. ترامپ فاشیسم نژادی را نمایندگی میکند و خامنه

ادامه در صفحه ۱۰

عصر حجری اسلامی بمیدان بیائیم. رسول طالب مقدم و همه کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی که جرمی بجز دفاع از خواستهای برحق خود ندارند باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد بشوند. بزرگداشت روز جهانی کارگر و تشکل و اعتصاب و اعتراض حق مسلم کارگران است و این خواستهای برحق را میتوانیم با مبارزه متحد و همبسته

اعتراضات توده ای در شهرهای مختلف آمریکا همچنان ادامه دارد و اکنون دامنه ان به شهرها مختلف جهان نیز کشیده شده است. تقریباً همزمان با قتل جرج فلوید، در ایران در یکی از شهرکهای اطراف کرمانشاه زن ۵۵ ساله ای بنام آسیه پناهی بدست ماموران جمهوری اسلامی بقتل رسید. آسیه در یکی از مناطق حاشیه ای شهر کرمانشاه به کمک همسایه ها برای خود و فرزندانش آلودگی ساخته بود و تنها ۴ روز بود در این خانه زندگی میکرد که مامورین شهرداری با لودر به سراغش رفتند. آسیه فراید میزند باید از روی جنازه ام رد بشوید تا خانه ام را خراب کنید. و ماموران او را میکشند و خانه اش را خراب میکنند. ابتدا با اسپری فلفل به آسیه که تنگی نفس داشت حمله میکنند، نوه ده ساله اش را به باد کتک میگیرند، آسیه را دستگیر میکنند و با خود میبرند و چند ساعت بعد

فریاد و خواهش مکرر جرج فلوید که میگوید نمیتوانم نفس بکشم ۸ دقیقه تمام به این کار ادامه میدهد و او را خفه میکند. این البته اولین بار نیست که یک سیاهپوست قربانی وحشیگری پلیس آمریکا میشود و اعتراض سراسری مردم آمریکا نیز تنها به خاطر این حادثه نیست. آنها علیه سیستمی به خیابانها ریخته اند که سیاهپوستان را عملاً شهروندان درجه چندم به حساب میآورد، آمار بیکاران، زندانیان، معتادان، بی خانمانها و حتی مبتلایان به بیماری کرونا بر حسب جمعیت در میان سیاهپوستان آمریکا بمراتب بالاتر از سفیدپوستان است. از جانب پلیس نیز سیاهپوستان بطور سیستماتیکی تحت فشار و تبعیض قرار داشته اند و بیشترین کشته شدگان در اثر خشونت پلیس را سیاهپوستان تشکیل میدهند. جامعه آمریکا علیه این جنایت سیستماتیک بپا خاسته است،

از جرج فلوید تا آسیه پناهی

حمید تقوائی



علت، یا عبارت دقیقتر، جرقه این انفجار اجتماعی پخش ویدئویی است که بقتل رسیدن فجیع یک مرد سیاهپوست به اسم جرج فلوید را بدست پلیس راسیست آن کشور در شهر مینیاپولیس نشان میدهد. پلیس بدنبال تلفن صاحب یک مغازه که مدعی بود جرج فلوید اسکناس تقلبی به او داده است وی را دستگیر میکند، به زمین میاندازد و یک افسر پلیس بطرز وحشیانه ای با زانو بر روی گردنش مینشیند و با وجود

بیش از یک هفته است تظاهرات و شورش سراسری کشور آمریکا را فراگرفته است. در بیش از ۱۵۰ شهر مردم علیرغم خطر ابتلا به کرونا، پاندمی ای که همچنان در ایالتهای مختلف آمریکا رو به گسترش است، در مقیاس هزاران نفره به خیابانها میریزند، حکومت نظامی را که در بیش از ۴۰ شهر برقرار شده زیر پا میگذارند، شعار میدهند و اعتراض میکنند و بعضاً اتومبیلهای پلیس را به آتش میکشند و فروشگاهها را غارت میکنند.

قالیباف برتارک اوباشان

شهاب بهرامی



وبست با دول غربی، انتخابات از هر منظر عملاً برای رژیم کارکرد مهمی در برداشت و لذا جواب می داد.

این روند با عروج جنبش سرنگونی، به سرعت دگرگون گشت از این تاریخ به بعد ما شاهد تأثیرات جنگی بین سه جناح یا بهتر است بگوییم سه جبهه در سیمای سیاسی جامعه هستیم. در حقیقت امر تقابل دو جناح رژیم علیه جبهه سوم یعنی مردم از این زاویه قابل تعریف است. با عروج جنبش قدرتمند سرنگونی به مرور اهمیت انتخابات مجلس اسلامی از سکه افتاد تا آنجا که امروز شورای نگهبان و خامنه ای از بالای سر این مجلس و حتی بدون اجازه و مشورت آنان دستورات قانونی صادر کرده و نصب و لغو می کنند.

روند بعدی با به میدان آمدن دوباره جنبش سرنگونی اینبار متعین تر در دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ و تقابل دو جبهه به جای سه جبهه در روند قبلی قابل تشخیص است. جناحهای رژیم با کلیه گرایشات و دسته بندی های اصولگرا و منتسبین به اصلاح طلبان و زیر مجموعه هایشان از یک سو در مقابل جبهه سرنگونی طلب مردم از سوی

دیگر. سخن کوتاه شأن نزول این مجلس و این سردار، شرایط سیاسی و پر تحول بعد از آبان و خطر عنقریب انقلاب مردم و تلاشی نیروهای جمهوری اسلامی است.

قالیباف در سخنانش از خطراتی که نظام را تهدید می کند گفت، از کاهش اجتماعی نظام، از «نفوذ فساد نگران کننده در تار و پود ساختارهای مختلف» از بیکاری و چالش معیشتی و بالاخره گسترش سبک زندگی غربی و عدم مذاکره با آمریکا.

سخنان قالیباف در نطق پیش از دستور مجلس و اشاره به تهدیداتی که جمهوری اسلامی را هدف قرار داده است قبل از هر چیز اعتراف به شکست در کلیه زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رژیم بود. نمایش انتخاباتی برای نمایندگان مجلس و رد صلاحیت های فله ای شورای نگهبان بعد از قیام آبان جهت یکدست شدن مجلس بیکاره رژیم و بر تخت نشاندن سردار سپاه نیز نشان داد که هیچ گونه تغییری در استراتژی رژیم چه در رابطه با سیاست خارجی و چه در رابطه با تقابل رژیم و مردم در داخل بوجود نیامده است. با

سخنان قالیباف بن بست سیاسی - اقتصادی رژیم که همزاد جمهوری اسلامی است در آینه مجلس جدید بیش از پیش نمایان شد.

گفته می شود که طرح ترکیب جدید مجلس و به چنگ آوردن آن بوسیله سپاه، به غیر از به انحصار درآوردن حق غارت و چپاول ثروت های جامعه بوسیله این نیرو، در عین حال برای یکدست شدن رژیم برای مقابله با شورش های بعدی مردم بوده است. می توان گفت هر دو درست است. اما بیاد آوریم که قدرت جنبش انقلابی آبان و ادامه آن پس از کشتار ددمنشانه ۱۷۶ سرنشین هواپیمای اوکراینی، آن عامل اصلی اتحاد و یکدست شدن کل رژیم در مقابل مردم بود. مجلس فعلی ادامه منطقی مجلس قبلی و محمد رضا قالیباف ادامه علی لاریجانی بر تارک مجلس اسلامی است. برای نجات بن بست همه جانبه رژیم هیچ داروی معجزه آسایی وجود ندارد. این پیام مستتر در صحبت های قالیباف است، این پیام را باید به گردن جمهوری اسلامی آویزان نمود.*

بر بستر استراتژی بقا از معنا و اهمیت خاصی برخوردار می شد. بویژه انتخابات مجلس اسلامی گاه به مهمترین مسئله سیاسی حکومت بدل می شد. افشاگری ها و دعوای جناح های درون حکومت اوج می گرفت و سران حکومت برای میانجی گری و برای به پشت صحنه بردن اختلافات به تکاپو می افتادند. معامله و بند وبست دوجناح بر سر تعداد کرسی ها حتی با تهدید و تطمیع و رشوه و شیوه های مافیایی دیگر برای بدست آوردن اکثریت در مجلس، تنها پرده دیگری از این نمایش انتخاباتی بود. جدا از مضکة انتخابات که در آن اساساً تعداد کم و زیاد بودن رای ها علی السویه بود و حتی شمرده نمیشد، رژیم در برگزاری این انتخابات دو هدف عمده داخلی و خارجی را تعقیب می کرد. یکی برای امیدوار نگه داشتن میلیون ها انسان گرسنه و در بند به امید تغییر و روزهایی بهتر در داخل، و دیگری برای مصرف خارجی با داشتن ژست دمکراسی پارلمانی و بستن دهان منتقدین خارجی و هموار نمودن معاملات و بند

پاسدار قالیباف دزدسالار دیروز و رئیس مجلس امروز، قبل از شروع نطق پیش از دستور خود در میان هیئت رئیسه دوازده نفره مجلس یازدهم که دو سوم آنان از سران رده بالای سپاه بودند عکس یادگاری گرفت. با آمدن این یکی، ارکستر پلشت مجلس اسلامی سران سپاه یکدست شد.

قالیباف که از نزدیکان و خویشاوندان خامنه ای است در مناصب مختلف و در طول خدمات نظامی، امنیتی، اقتصادی به رژیم اسلامی همواره مشغول سرکوب و غارت و دزدی بوده است. در سال ۱۳۹۶ اسنادی حاکی از دزدی ۴.۲ میلیارد دلاری وی در دوران صدارت اش در شهرداری تهران برملا شد. پرونده هزاران میلیارد تومانی مشهور به "پرونده املاک نجومی"، بخشیدن ۷۴ هزار متر مربع زمین به اضافه ۲۵۰ میلیارد تومان به همسرش فقط گوشه ای از دزدی های وی در شهرداری تهران بوده است.

در دوره هایی از عمر رژیم، بحث انتخابات مجلس و ریاست جمهوری برای رژیم و

**برای برپائی و ساختن جامعه ای شاد و مرفه به
حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید.**

آمریکا: فوران شورش و خشم علیه ستم و فقر و تبعیض کاظم نیکخواه



آمریکا ده روز است در شورش و خیزشی گسترده و آتشین بسر میبرد. حدود ده روز است که در بیش از ۲۰۰ شهر و تمام ۵۰ ایالت آمریکا شورش مردم وسیعاً جریان دارد و هر لحظه این شورش و خشم عمومی دارد ابعاد وسیعتری بخود میگیرد. دولت ترامپ در دهها شهر حکومت نظامی اعلام کرده اما کنترل اوضاع عملاً از دست دولت و پلیس فدرال خارج شده است. واقعا کسی هست که صحنه ای را که پلیس با خونسردی با زانو روی گردن مرد جوان سیاه پوست یعنی جورج فلویید مینشیند و فشار میدهد تا جلوی دوربین بگیرد، شوکه نشود؟ باور کردنی نیست که پلیس اینچنین بیرحمانه یک انسان را به قتل برساند. انهم بی دلیل و بدون اینکه مقاومتی کرده باشد. میدانید گناه جورج فلویید چه بود؟ گویا یک فروشنده شکایت کرده بود که او یک بیست دلاری تقلبی به او داده است. پلیس سراغ او میبرد و او هیچ مقاومتی نمیکند. اما فوراً به او دستبند میزنند و او را روی شکم روی زمین میخوابانند و با زانو روی گردنش فشار می آورند. هرچه میگوید دارم خفه می شوم. نمیتوانم نفس بکشم اثری ندارد. حتی کسی که فیلم میگرفته و دو سه نفر دیگر به آرامی به پلیس ها میگویند او دارد میمیرد. اما پلیس

توجهی نمیکند و به آنها میگوید دخالت نکنید. بعضی وقتها فکر میکنم پلیس در همه کشورها یک ارگان فاشیستی و راسیستی است. عقل و انسانیت و منطق در کله اینها انگار وجود ندارد. در آمریکا گویا سالی هزار نفر از خشونت پلیس جان میبازند و اکثریت آنها سیاه پوست هستند. فقط فیلم شمار معدودی از این جنایات به رسانه های اجتماعی راه می یابد. بارها مردم علیه جنایات پلیس دست به شورش های گسترده زده اند و جنایتکاران را به محاکمه کشیده اند. اما باز در جای دیگری پلیسهای دیگری دست به خشونت و جنایت زده اند. این موسسه ظاهراً تا مغز استخوان به راسیسم و فاشیسم ضد سیاه پوست آلوده است. نه فقط در آمریکا بلکه در خیلی کشورهای دیگر هم شاهد جنایات پلیس هستیم.

اعتراضات در آمریکا ابعاد وسیعی یافته است. خشمی فروخورده انگار منفجر شده است و بیرون زده است. خشم نسبت به تبعیض نژادی، به فقر، به بیکاری، نسبت به تبعیضات طبقاتی، نسبت به سرمایه داری بیرحم، و نسبت به بی حقوقی و بی تامینی. این شورش فقط علیه جنایت پلیس نیست. شورش گرسنگان و محرومان علیه یک درصدیهاست.

این مملکت آنچنان به جنگل سرمایه داری تبدیل شده است که امثال ترامپ و سرمایه داران آمریکائی، سیستم اروپای غربی را "سوسیالیستی" می خوانند و با این کلمه نسبت به حقوق اجتماعی حداقلی که در کشورهای اروپایی برای مردم وجود دارد و طی مبارزات دهه های قبل تحمیل شده است، ابراز انزجار میکنند. کشور بسیار ثروتمندی مثل آمریکا که یک درصدی هایش امثال ترامپ هرکدامشان با ثروتهای نجومی شان میتوانند یک کشور را یک جا بخرند، تا آنجا که من شنیده ام هیچ تامین اجتماعی ای برای مردم ندارد. فقط وقتی که در آستانه مرگ از گرسنگی برسید چیزی شبیه بنگاههای خیریه یک نان بخور و نمیری به شما میدهند. بهرحال جامعه دارد نه فقط به خشونت پلیس بلکه به کل این بی عدالتی و بی تامینی و بی منطقی اعتراض میکند.

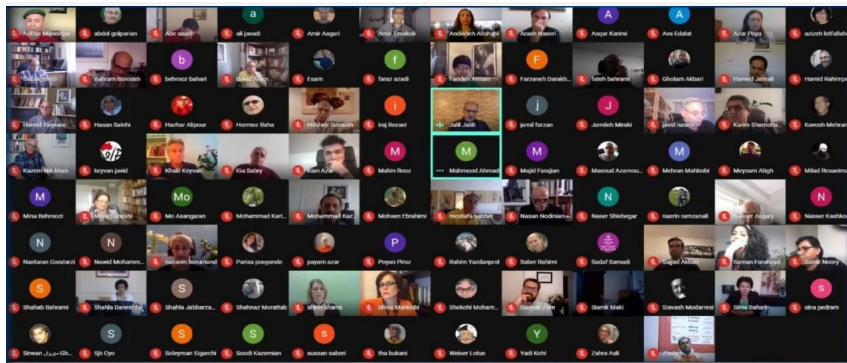
مشکلی که هست این اعتراضات افق و هدف روشنی ندارد. مردم خشمشان را بیرون میریزند و از نظر خود با سیستم موجود وارد جنگ میشوند. دولت ترامپ هم پلیس و ارتش را وارد میدان کرده و تلاش میکند اوضاع را کنترل کند. (جالب توجه است که دونالد ترامپ از قتل جورج فلویید ابراز تاسف خشک و خالی هم نکرد ولی

تهدید کرد و گفت وقتی غارت شروع میشود تیراندازی هم آغاز میشود یعنی جواب غارت مغازه ها گلوله است!) معمولاً بعد از مدتی مردم خسته میشوند و زخمی و خسته و سرخورده و ضربه خورده به خانه هایشان میروند. تا جنایت بعدی توسط پلیس. این یعنی عدم رهبری. این یعنی بی افقی و سردرگمی. میدانید چرا؟ چون همه میخواهند علیه سرمایه داری وحشی حاکم بجنگند بدون اینکه سرمایه داری یعنی مالکیت وسائل تولید مایحتاج زندگی مردم توسط یک اقلیت را هدف قرار دهند. هیچکس طرح و نقشه ای برای زدن زیرآب سرمایه داری آتهم در کشوری مثل آمریکا را ندارد. چونکه همه باور کرده اند که بدون سرمایه دار و کارگر و مزد و سود و استعمار دنیا نمی چرخد. یا باور کرده اند که کاری نمیشود کرد. این فرهنگ غالب و حاکم در آمریکا و خیلی جاهای دیگر دنیاست. شکست کمونیسم در قرن بیست یک نتیجه اش همین شده است که بسیاری از مردم تحت تاثیر تبلیغات جنگ سردی قرار گرفته و میترسند به نفی سرمایه داری حتی فکر کنند. در یک قرن و دو قرن پیش چنین خیزش و شورش در این ابعاد قطعاً به انقلابی برای زیر و رو کردن حکومت و سیستم حاکم منجر میشد. اما این روزها

انقلاب در غرب دیگر ساده نیست. باید حزب و رهبری سیاسی بسیار کارکشته ای وجود داشته باشد که از توطئه ها جان سالم بدر ببرد و و یک عالمه کار فرهنگی و فکری بکند که مردم به انقلاب کردن قانع شوند. البته به نحو ملموس و محسوس از این نظر نیز اوضاع نسبت به دوره جنگ سرد و اوایل دهه نود و فروریختن دیوار برلین بسیار بهتر شده. در همین آمریکا که سوسیالیسم مترادف فاشیسم تلقی میشد امروز کسی مثل برنی ساندرز که خود را سوسیالیست میخواند در نظر سنجی ها محبوب ترین چهره سیاسی شناخته میشود. اما هنوز بنظر میرسد راه درازی در این کشور باید پیموده شود. البته بعضی مفسرین آمریکائی با اشاره به خیزشهای کنونی از انقلاب در آمریکا سخن میگویند یا احتمال یک انقلاب را منتفی نمیدانند. من متخصص سیاست در آمریکا نیستم و اوضاع سیاسی در این کشور را از نزدیک دنبال نکرده ام. اما چندان به این ارزیابی خوش بین نیستم چونکه بطور واقعی خیزش و شورش کنونی بدون افق و چشم انداز و استراتژی سیاسی است.

پاسخ در ایران است!

در نتیجه شورشهای مردم در آمریکا علیرغم ابعاد بسیار ادامه در صفحه ۶



سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی در پلنوم ۵۱ باید خود را برای تحولات زیرورو کننده ای که در راه است آماده کنیم



حرکتها حزب ما بوده است. در سطح بین المللی من فقط به طور خلاصه بگویم که تحولاتی که طرف همین ده، بیست سال اخیر دیدیم، از جنبش فمَن و اعتراض عریان بگیرد تا جنبش شارلی ابدو و جنبش اشغال و نود و نه درصدیها در برابر یک درصدیها، حزب اینها را تبیین کرده، از آنها فعالانه حمایت کرده و به عنوان جزئی از مبارزه عمومی در ایران و در جهان علیه سلطه دولتهای سرمایه‌داری و نظام ضدانسانی سرمایه‌داری پرچمشان را بلند کرده است. الآن در مورد کرونا هم حزب دارد دقیقاً همینطور عمل میکند — به عنوان بلیه‌ای، به عنوان فاجعه‌ای که مسئولش دیگر نه فقط یک ویروس بلکه مسئولش دولتها و حکومتها و نظامی هستند که این فاجعه را بر سر مردم هوار کرده‌اند. این فاجعه هنوز ادامه دارد و این زمینه‌ای میدهد که حزب اینجا هم دخالت کند، همچنانکه حزب در جنبش نود و نه درصدیها و در جنبشهای عظیمی که قبلاً در سطح جهانی شکل گرفته بود دخیل بود.

یک جنبه جهانی دیگر، مبارزه علیه اسلام سیاسی است. حزب ما عملاً با کمپینها و با مبارزاتش یکی از نیروهای فعال — تا جایی که من نیروهای کمونیست، چه در ایران و چه در جهان، را ادامه در صفحه ۶

ولی من مایلم به عنوان اختتامیه کمی به عقبتر برگردم و بگویم که چه در سطح ایران، چه در سطح بین المللی، این حزب در چه جنبشهایی دخیل بوده و چه جنبشهایی را مورد حمایت قرار داده، تبیین شان کرده و در موردشان سند و قطعنامه و اطلاعیه داده، پرچمشان را بلند کرده، سعی کرده آنها را نمایندگی کند و سعی کرده خودش به عنوان جزئی از آن حرکتها باشد.

در خود ایران روشن است: فعالیت پیگیر در جنبش کارگری و نقش فعالی که در سر بلند کردن چهره‌ها و نهادها و بمیدان آوردن خانواده‌های کارگران ایفا کرده ایم، مبارزه علیه سنگسار که حزب ما توانسته عملاً متوقفش کند، مبارزه کلا علیه مذهب، مبارزه علیه حکومت آیت‌الله‌های میلیاردر (که همین اصطلاح را در واقع حزب ما اشاعه داده)، علیه اعدام به عنوان قتل عمد دولتی (که این را هم حزب ما تبدیل کرده به کلمه قضاری در دهان فعالین مختلف در ایران)، و همینطور در دفاع از بخشهایی از جامعه، مثلاً فرض کنید علیه ستمی که بر اقلیتهای مذهبی می‌رود، علیه ستمی که بر همجنس‌گرایان اعمال میشود، علیه ستمی که بر بخشهای مختلف جامعه مانند کودکان اعمال میشود — پرچمدار همه این حرکتها و یکی از نیروهای مؤثر در این

"نه" محکم و قاطعی که به حکومت دادند؛ و بعد دهه فجری که مردم آن را بایکوت کردند و به نمایش مضحکی تبدیل کردند که دیگر خود حکومت هم اصراری نداشت که زیاد آن را مطرح کند — در تمام این لحظات حزب درگیر بود، حزب فعال بود، حزب دخیل بود و سعی میکرد این مبارزات را تقویت کند و مردم را هر چه بیشتر متحد کند و به پیش برود. تا دوره کرونا که در این عرصه هم، همانطور که گفتیم، حزب بسیار فعال بود و پیش رفت و بعد هم الآن جامعه دوباره دارد برمیگردد روی ریل تجمعات اعتراضی، بخصوص علیه فقر و فاقه‌ای که در جامعه بیداد میکند و علیه شرایط سختی که بحران کرونا در جامعه ایجاد کرده است. کارگران علیه این اوضاع فلاکت‌آمیز معیشتی و برای دفاع از دستمزدها دوباره دارند به میدان می‌آیند. در اول ماه مه دیدیم که به همین طریقی که پلنوم ما تشکیل شد، یعنی از طریق اینترنت و به صورت آنلاین، کارگران اول مه را بزرگ داشتند. در این حرکت نیز حزب ما دخیل و بسیار فعال بود.

این پلنوم برگشت و ریشه‌ها و مبانی و جهتگیری سیاسی‌ای که این حرکتها ناشی از آن است و نتیجه عملی آن است و پراتیک حزب بر آن مبتنی است، را بررسی کرد. پلنوم وارد گذشته نشد

اکتیویستها و فعالین خود حزب فراتر می‌رود. برای مثال مبارزه‌ای که الآن علیه کرونا و علیه جمهوری اسلامی به عنوان عامل اصلی اشاعه این ویروس کشنده در ایران و برای دفاع و حمایت و کمک رسانی به مردمی که قربانی این شرایط هستند جریان دارد. در خود جامعه نهادها و کمیته‌های مختلفی برای مقابله با کرونا و عامل شیوعش، یعنی جمهوری اسلامی، شکل گرفته است. حزب ما توانسته است که با آنها مرتبط شود و به یاریشان بشتابد و یک حرکت اجتماعی در این جهت شکل گرفته که حزب در آن فعالانه دخیل در سایر عرصه‌های مبارزه نیز همینطور است. اگر از شش، هفت ماه اخیر صحبت کنیم، از زمان خیزش آبان ماه، حزب درگیر مبارزه بود برای دادخواهی از کشته شدگان آبان ماه؛ برای تقویت و تعمیق آن حرکت توده‌ای برای بزرگ کردن جنبش جمهوری اسلامی که از آبان ماه به راه افتاد؛ بعد در ادامه‌اش جنایتی که جمهوری اسلامی با شلیک به هواپیمای مسافربری اوکراینی مرتکب شد؛ همچنین خیزش دی ماه که اساساً در جواب به آن شکل گرفت؛ بعد مسئله انتخابات که مردم آن را واقعا بر سر حکومت خراب کردند و جواب

به عنوان اختتامیه پلنوم من در اینجا چند نکته را مطرح میکنم. نکته اول این است که، همانطور که دوستانی نیز در طی پلنوم گفتند، این پلنوم خیلی پرباری بود و هم قطعنامه‌ها و هم اسنادش و هم بخصوص بخش گزارشها به نظر من تصویر بسیار جامعی از حزب ما در شرایطی داد که جامعه ایران کاملاً متحول است و اولادوره پرتلاطمی را پشت سر گذاشته و ثانیاً دوره تحولات زیرورو کننده‌تر و متلاطم‌تری را در پیش رو دارد. پلنوم در اسنادش، در مباحثاتش، در گزارشهایش این مسائل را مطرح کرد و نشان داد که چگونه این حزب دارد فعالیت میکند، نقطه ضعفهایش کجاست، نقطه قوتهایش کدام است و چگونه باید بر دستاوردها و نقطه قوتها متکی شد و بخصوص ریشه و اساس این پیشرویها را شناخت تا بتوان حزب را بیشتر تقویت کرد، بیشتر در دل جامعه برد و بیشتر در دل اعتراضات برد.

این پلنوم نشان داد که حزب ما در جنبشها و اعتراضاتی که هم اکنون در جامعه جریان دارد درگیر است، فعال است، دخالتگر است، و خودش هم مبتکر حرکتهایی بوده است که الآن حرکتهای اجتماعی حولشان شکل گرفته و دیگر از اقدامات

از صفحه ۵

سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی در پلنوم ۵۱...

میشناسم میتوانم بگویم که تنها نیروی فعال — علیه اسلام سیاسی در جبهه‌های مختلف بوده است، از اکس مسلم بگیرد تا مبارزه علیه اسلام سیاسی، دفاع از حقوق پناهندگان فرار کرده از کشورهای اسلامزده به کشورهای غربی و غیره و غیره، همه جا این پرچم در دست حزب و اکتیویستها و فعالین حزب بوده است.

این پلنوم پلنوم چین حزب بود و در چنین شرایطی برگزار شد. نفس این هم خودش نشان میدهد که در شرایطی که بحران کرونا تقریباً هر نوع تجمع و کنگره و سمینار و پلنوم سیاسی از احزاب چپ و راست را تعطیل کرده و همه منتظرند که این توفان به نحوی رد بشود تا دوباره فعالیت سیاسی را شروع کنند، حزب ما در دل این توفان پرچم مبارزه با کرونا را برافراشت. با دخالتگری و با شرکت فعال در ستاد کرونا که بسیار فراتر از حزب ما میرفت. در مقابله با

به طور مشخص در این دوره‌ای که دنیای کرونزده وارد آن میشود چه وظایفی در مقابل ماست. پیش بینی ما این است که یک دنیای پرتلاطم با جنبشهای وسیع اجتماعی در سطح جهانی خواهیم داشت و بخصوص در ایران، جمهوری اسلامی در این شرایط به ضعیف ترین موقعیت خود سقوط میکند. از نظر اقتصادی کاملاً فروپاشیده است؛ از نظر سیاسی و اجتماعی کاملاً افشا و بی آبرو شده است؛ این حکومت دیگر به عنوان یک حکومت دروغگو، فاسد، جنایتکار و قاتل مردم شناخته میشود و مردم جنگ بی‌امانی را با این حکومت شروع کرده بودند که بحران کرونا در آن وقفه ایجاد کرد ولی این جنگ ادامه خواهد یافت و در ابعاد وسیعتر، گسترده تر و عمیقتری به پیش خواهد رفت.

حزب ما به استقبال این شرایط می‌رود. در ایجاد این شرایط خود حزب ما نقش داشته است. در ایجاد این مبارزاتی که ما میبینیم در قیل از بحران کرونا در جامعه ایران شکل گرفت و نقطه اوجی که داشتیم و نقش

تعیین کننده‌ای که طبقه کارگر ایفا کرد و بعد مبارزات توده‌ای که در آبان و دی درگرفت، در زمینه سازی اینها و در ایجاد اینها در دل آن شرایط، حزب ما نقش داشت. دستاوردهای این مبارزات مانند کنترل محلات، مانند پا به میدان گذاشتن مردم برای جنگ نهایی با حکومت، مانند شعار "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" که در دی ماه سر داده شد، و کلا مبارزاتی که مردم علیه جمهوری اسلامی شروع کردند حزب ما هم در زمینه سازی اینها نقش داشته و هم بخصوص امروز رو به آینده باید بتوانیم با تلاش هرچه بیشتری و در سطوح گسترده تری این نقش را ایفا کنیم.

به نظر من در این دوره جنبش سرنگونی دوباره اوج خواهد گرفت. این جنبش در ابعاد بیسابقه‌ای، که حتی قابل مقایسه با خیزش آبان ماه و دی ماه نیست، در صدها شهر شکل خواهد گرفت و به میدان خواهد آمد. این قویترین احتمال در سیر تحولات ایران است. ما باید خود را برای این شرایط آماده کنیم. من فکر میکنم که با اتکا به سیاستها، جهت گیریها

و قطعنامه‌ها و اسنادی که در این پلنوم تصویب شد حزب ما بیش از پیش این آمادگی را دارد که ضعفهای خود را برطرف کند و با قدرت بیشتری در تمام این ابعادی که اشاره کردم در سطح ایران و در سطح بین المللی به عنوان یک حزب پراتیک، یک حزب دخالتگر و یک حزب سیاسی شناخته شود و مورد توجه جامعه و مورد کارگران و آن نود و نه درصدیهایی که تحت این شرایط فلاکتبار دارند به خود میبچیند و میخواهند خود را از شر این شرایط رها کنند قرار بگیرد و انتخاب شود. من فکر میکنم که با کوشش و تلاش همه شما اعضای حزب، کادرهای حزب و بخش رهبری حزب، حزب ما این موقعیت را دارد و میتواند این نقش را ایفا کند و ما با تمام توان خود میرویم که جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران را به عنوان یک انقلاب توده‌ای علیه جمهوری اسلامی هرچه متحدتر کنیم، تقویت کنیم و به پیروزی برسانیم. شاد و موفق باشید!

(کف زدن حضار)

از صفحه ۴

آمریکا: فوران شورش و خشم...

وسیع آن که الان به ۲۰۰ شهر رسیده، به جای اینکه به تحولی در زندگی مردم منجر شود و بهبودی از نظر سیاسی و اجتماعی ایجاد نمایند، با حملات خشونت بار پلیس و گروههای دست راستی به خشونت کشیده میشوند و به شکل شورشهای کور گر میگیرند و بعد از مدتی خاموش میشوند. این مشکل اصلی است. این دور باطل باید پایان یابد. این گره یک جایی

آقا زاده ها و سرمایه داران مفتخور شعار نمیدهند. در هیچ کجای دنیا مردم اینهمه وسیعاً برابری طلب و انسان گرا نیستند و از منزلت و درمان رایگان و آموزش رایگان و رفاه و منزلت برای همه دفاع نمیکنند و در این زمینه ها روشن نیستند. در هیچ کجای دنیا مردم اینقدر به انقلاب برای به زیر کشیدن حکومت باور ندارند. در هیچ کجای دنیا چپ اینقدر محبوب و قوی نیست. طبقه کارگر در هیچ کشوری اینقدر معترض و سیاسی و ضد

سرمایه داران نیست. حکومت اسلامی الان در رابطه با اعتراضات آمریکا دارد اشک تمساح میریزد و حتی شنیدم که یک خیابان را به اسم جورج فلوید نامگذاری کرده است! اما این تلاشها پوچ و اسباب تمسخر مردم است. این تقلاها بدرد خرد کردن اعصاب مردم در ایران میخورد اما کسی را فریب نمیدهد. بلکه خشم مردم را بیشتر دامن میزند. حقیقت اینست که ایران از نظر آزادیهای سیاسی حداقل دویست سیصد سال از آمریکا عقب

است. در ایران چند تا انقلاب باید بشود که تازه ما آزادیهای سیاسی و حقوقی ای را که در آمریکا فی الحال پیاده شده و وجود دارد بدست آوریم. در آمریکا مذهب در دولت و قانونگزاری و آموزش کودکان دخالتی ندارد. در آمریکا تجمع و اعتراض و تظاهرات و تحزب و اعتصاب رسماً و قانوناً بطور کامل آزاد است. در آمریکا یک شهروند و یک رئیس جمهور در برابر قانون برابند و ولی فقیه و رهبر و حاکم و سلطان وجود ندارد. و

ادامه در صفحه ۱۰

مردم کرونا را جدی بگیرند، مسئولان نه!

حسن صالحی



عادل جهان‌آرای (روزنامه‌نگار) مطلبی دارد در روزنامه همدلی با عنوان "مردم کرونا را جدی بگیرند، مسئولان نه!" وی به نکته درستی اشاره می‌کند. چرا که جمهوری اسلامی همواره مردم را در ارتباط به شیوع بیماری کرونا سرزنش کرده است و همه تقصیرها را گردن مردم می‌اندازد.

برای چند روز متوالی است که حتی آمار دولتی خبر از افزایش تعداد مبتلایان به کرونا در کشور و فوتی‌های ناشی از این بیماری مسری دارد. سخنگوی وزارت بهداشت رژیم روز ۱۴ خرداد گفت استان خوزستان وضعیت "قرمز" دارد و هرمزگان، آذربایجان‌های شرقی و غربی، کردستان، کرمانشاه، بوشهر، سیستان و بلوچستان، قزوین و خراسان رضوی هم در وضعیت "هشدار" هستند. همچنین بنا به اخباری که به "ستاد مردمی مبارزه با کرونا" رسیده است در استانهای شمالی کشور آمار مبتلایان افزایش داشته است. پرستاران از نبود تجهیزات ویژه ضد کرونا می‌نالند و نسبت به بی توجهی دولت نگران و معترض

دیگری باز می‌کنند و مجوز برای برگزاری مراسم و مناسک مذهبی صادر می‌کنند. در این شرایط کرونایی شرم نمی‌کنند و تلاش میکنند بازار کساد مذهبان را جان تازه ای دهند تا از آن بعنوان ابزاری در جهت تحمیق و مهار مردم استفاده کنند. علاوه بر این باید اشاره کنیم که در طول همین مدت که گفتند اوضاع عادی و "سفید" شده بخشی از پرستاران را اخراج کردند و حقوق‌های آنها را نپرداختند. در برخی کشورها پرستاران اضافه حقوق می‌گیرند ولی در ایران هم حقوقشان پرداخت نمی‌شود و هم اخراج می‌شوند. و جالب است که روحانی مزورانه از "همکاری دولت و مردم برای جهش تولید" حرف می‌زند.

کرونا در ایران جدی است. حکومت با عادی جلوه دادن اوضاع دارد همان کاری را می‌کند که در ابتدای شیوع این بیماری مسری در ایران کرد. دروغ‌گویی، بی توجهی، عدم انجام اقدامات لازم برای پیشگیری از بیماری، توسل به دعا و خرافه، کم اهمیت شمردن خطرات بیماری و ... حالا نیز دارند با شانه خالی کردن از مسئولیت خود در قبال تامین معاش و هزینه زندگی مردم آنها را به سرکارهای خود و به قتلگاه کرونا می‌فرستند. قرار است دوباره بسیاری از چیزها از ۱۷ خرداد عادی شود و به خیال مسئولین حکومتی "انگار کرونا زیاد مایل نیست در این کشور بماند". جمهوری اسلامی و کرونا دست در

بحران کرونا، بحران نظام سرمایه داری است، نه بحران جامعه انسانی!

تبدیل ویروس کرونا به یک بحران و یک فاجعه اجتماعی، ناشی از غیر انسانی بودن نظام حاکم، نظام سرمایه داری است که بر محور سوداندوزی و نه پاسخگوئی به نیاز مردم بنا شده است.

بدون هیچ اما و اگری فراهم کند. در مراکز و موسساتی که امکان دورکاری هست باید ملزومات لازم از سوی کارفرما برای کار از خانه فراهم شود. برای جلوگیری از گسترش کرونا باید تستهای وسیعی بر روی مردم انجام گیرد. بهداشت و درمان باید تماما رایگان باشد. این بخصوص در شرایطی که مردم با یک بیماری مسری دست و پنجه نرم می‌کنند و بسیاری توانایی پرداخت هزینه‌های درمانی را ندارند بسیار مهم است که بلافاصله باید به مورد اجرا گذاشته شود. یک خواست دیگر این است که مردم در این شرایط سخت از پرداخت هزینه‌های آب و برق و گاز معاف شوند. پرستاران و کادر درمانی نه فقط نباید اخراج شوند بلکه با افزایش حقوقها و مجوز کردن آنها به تجهیزات لازم ضد کرونایی به انجام وظایف خطیر خود ترغیب شوند.

مردم! اجازه ندهید که جمهوری اسلامی با جان و سلامتی شما بازی کند. با این خواستها به میدان بیایید و صفوف اعتراضی خود را سازمان دهید تا از بروز فاجعه بزرگ دیگری در کشور جلوگیری کنیم.*

دست هم قصد کشتار مردم را دارند چرا که نمی‌خواهند برای زندگی مردم چه در مبارزه با این بیماری و چه در تامین معاش آنها هزینه ای را صرف کنند. راه حل ساده تر برای آنها این است که اقتصاد به قیمت کشتن مردم فقط راه بیفتد. همان موقع نیز که اقتصاد جمهوری اسلامی بدون کرونا در حال "چرخش" بود برای اکثریت مردمانی که چرخ این اقتصاد را به گردش در می‌آوردند چیزی جز فقر و نداری نصیبی نداشت و حالا هم که این اقتصاد در اثر کرونا بیش از گذشته از کار افتاده است همین مردم باید تاوانش را بپردازند.

ما خواهان تامین معاش مردم و بویژه افراد فاقد درآمد و یا بی درآمد و همه کسانی هستیم که به دلیل شیوع این بیماری منبع درآمد خود را از دست داده‌اند. کار در مراکز تولیدی (بجز بخش‌های ضروری) باید متوقف شود و همه کارکنان از مرخصی با حقوق برخوردار شوند. دولت موظف است با تخصیص بودجه لازم به همه واحدهای تولید امکان تامین حقوق کارکنان این واحدها را که مجبور به قرنطینه هستند

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاهو است
فرکانس: 11766
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: 27500
آف ای سی: 5/6

به تلویزیون کانال جدید
صدای انسانیت و اعتراض به حق اکثریت مردم
کمک مالی کنید!
www.newchannel.tv



اسلام سیاسی هستند. از نظر ما افراد مسلمان مثل همه افراد دیگری که هرکدام اعتقادات شخصی معینی دارند باید از تمام حقوق شهروندی برخوردار شوند و در عین حال تفکراتشان مورد نقد فکری قرار گیرد. اما جریاناتی که تلاش و نقشه و برنامه دارند که بعنوان جریانات اسلامی در قدرت دخالت کنند باید زیر ضرب مبارزه سیاسی در تمام اشکال آن قرار گیرند. بکار بردن کلمه اسلام سیاسی بهیچ وجه به معنای آوانس دادن به ایدئولوژی و تفکر اسلامی نیست. از نظر ما کل ادیان از جمله اسلام ابزار و اهرم دست حکومتها و اقلیت مفتخور حاکمند و کارکردشان اینست که به ستم و استثمار علیه کارگران و اکثریت مردم تداوم بخشند و آنرا توجیه کنند. این را باید بدون هیچ تردیدی افشا کرد. اما اسلام سیاسی را باید کوبید و از صحنه بیرون کرد. یک نکته را هم در آخر اضافه کنم. واقعیت و همه فاکتورها بیانگر اینست که اسلام سیاسی در سالهای اخیر تا حد زیادی دست ساز دولتهای ارتجاعی غربی است و آنرا با هدف کنار زدن چپ و کمونیسم مورد استفاده و مورد حمایت قرار میدهند. این حقیقتی است که در مورد خمینی و جمهوری اسلامی و داعش و تمام جریانات اسلامی موجود در صحنه سیاسی دنیای امروز صدق میکند.*

در ردیف اسلام گرایان "میانه رو" قرار میداد. با همین توجیهات هم با او به توافق رسیدند و به او کمک کردند که در ایران به قدرت برسد. اما وقتی که به قدرت رسید از او جنایتکار و مرتجع تر نمیدانم کدام بنیادگرای اسلامی دیگری را میشود اسم برد. بخشی از تفاوتها به دلیل فشار سیاسی است. نکته من این نیست که باید همه را معادل و مساوی فرض کرد. بلکه نکته ام اینست که نباید اسلام و دین بعنوان ابزار ارتجاع و ستمگری و سلطه طبقاتی از زیر ضرب ما در برود و تظهير شود. به دلایل فوق ما از عبارت بنیادگرایی اسلامی استفاده نمیکنیم. اما از کلمه "اسلام سیاسی" استفاده میکنیم تا روشن کنیم که جریاناتی که مستقیماً سیاست و قانون و دولت را هدف قرار داده اند، باید مستقیماً زیر ضرب مبارزه همه جانبه مردم قرار گیرند و عقب رانده شوند. تمام رگه های اسلامی در اساس خود سیاسی هستند. اما بخشی از آنها تارگت و هدف خود را کسب قدرت و اعمال زور و تحمیل قوانین اسلامی بر جامعه قرار میدهند. مبارزه ما با اینها فقط ایدئولوژیک و فکری و فرهنگی نیست. بلکه سیاسی است. با این طیف از اسلاميون باید جنگید و آنها را شکست داد و عقب راند. جمهوری اسلامی و همه دولتهای اسلامی و داعش و حزب الله و حماس و امثالهم از نمونه های بارز جریانات

بنیادگرایی اینهاست.

سوال اینست که بهرحال آیا اختلاف و تفاوتی بین جریانات مختلف اسلامی وجود ندارد؟ و اگر وجود دارد این تفاوت در چیست؟ در اسلام هم مثل هر دین و ایدئولوژی دیگری تفاوتها و اختلافات زیاد و شدیدی وجود دارد که در موارد زیادی در تاریخ به کشت و کشتارهای فجیعی منجر شده است. اما نکته اصلی اینست که دین بطور کلی و اسلام بطور مشخص خصوصياتی دارد که اتفاقاً بنیادگرایی اسلامی بیش از بقیه آنرا نمایندگی میکند. اسلام بنا به آموزه های اساسی خود مردسالار و ضد زن است، مشوق خشونت و آدم کشی و قتل و کشتار منتقدین است، طرفدار مالکیت است، ضد علم است، پامال کننده حقوق کودکان است، ضد آزادی های سیاسی است، مدافع مالکیت خصوصی و بردگی است. و بسیاری خصوصیات دیگر را دارا میباشد. جریانات اسلامی به اصطلاح مدرن و میانه رو و غیره اگر یک مورد از این ها را هم قبول داشته باشند، مرتجع و ضد انسانی قلمداد میشوند. اما عملاً وقتی که به کارنامه و آموزه هایشان نگاه کنید "مدرن ترین" شان به همه این آموزه های اسلامی و قرآنی اعتقاد دارند. فقط بسته به اوضاع و احوال و موقعیت و قدرت و نفوذ خود برخی را با صدای بلند مورد دفاع قرار میدهند و برخی را بسته به شرایط در پيله و پستو نگه میدارند تا زمان مناسب برای طرح و دفاع و عملی کردن آنها فرا برسد. خمینی از ابتدا خود را قاتل و آدمکش معرفی نمیکرد. او میگفت مارکسیستها هم آزادند و سخنانی میگفت که او را به زعم دولتها و مفسرین غربی

پاسخ به سوالات

دوست عزیز! پرسیده اند بنیاد گرایی اسلامی به چه معناست و تفاوت آن با رگه های دیگر اسلام چیست؟

بنیادگرایی اسلامی یعنی چه؟

کاظم نیکخواه:

گرایشاتی را به سوی خود جلب نمایند. معجزه عبارت "بنیاد گرایی اسلامی" اینست که بخش زیادی از آخوندها و مرتجعین اسلامی را تطهیر و تبرئه میکند و توافق و معامله با آنها را ممکن و مباح میکند. در ایران نیز جریانات دو خردادی و توده ای - اکثریتی و جریانات راست و سلطنت طلب و حتی برخی چپهای غیر کارگری از کلمه بنیاد گرایی اسلامی با همان منظوری که اشاره کردم استفاده میکنند.

کسی که ضد دین و خرافه و ارتجاع اسلامی در هر شکل آنست، نیازی ندارد که کنکاش کند تا ببیند چند در صد از جریانات اسلامی زیر فشار جنیش ضد اسلامی اینجا و آنجا در حرف انعطاف نشان میدهند و اختلافشان با هم مسلکانشان در چیست و صف آنها را از بقیه جدا کند. کسانی که وقتی میخواهند به کارنامه جنایی و ارتجاعی اسلام مراجعه کنند از کلمه بنیاد گرایی اسلامی استفاده میکنند، در واقع دارند بخش زیادی از جریانات اسلامی را تبرئه میکنند. وانمود میکنند که بخش اصلی یا بخش مهمی از جریانات اسلامی مرتجع نیستند. متعصب نیستند. خرافه پرست و غیره نیستند. تمام گناه اسلامی ها به گردن بنیاد گرایان و متعصبین گذاشته میشود و کارنامه این بنیاد گرایان به خود اسلام و تفکر اسلامی ربطی ندارد بلکه گویا حاصل تندروی و افراطی گری و

دوست عزیز! بگذارید از همین اول و قبل از اینکه وارد توضیح کلمه بنیادگرایی شوم این را با صراحت بگویم که این کلمه حداقل تا آنجا که در مورد اسلام بکار برده میشود، بیانگر یک انتخاب سیاسی از جانب کسانی است که آنرا بکار میبرند. منظور از بنیادگرایی اسلامی اساساً به تعصب در دین اسلام اشاره دارد. اما سوال اینست که کدام جریانات این کلمه را جلو کشیده اند و چه هدفی از آن دنبال میکنند؟ این کلمه اگر اختراع مدافعان دین و مذهب نباشد، بسیار باب طبع آنهاست. هدف اینست که تمام گناه اسلام را به گردن یک رگه از اسلام بیندازند و خط فاصلی بکشند بین بنیادگرایی که گویا همه ناهنجاریها از آن سرچشمه میگیرد، و رگه های دیگر اسلامی که صفات اسلام "متمدن" و "مدرن" و "میانه رو" و "منطبق با مدرنیته" را برای آنها بکار میبرند. معمولاً دولتهای غربی و جریانات لیبرال و مذهبی از این کلمه یا بهتر است بگویم از کلمه معادل آن یعنی "فاندائلیسم" برای جریانات اسلامی مخالف خود استفاده میکنند و هدفشان اینست که نقد آنها به این جریانات تندرو به تریخ قبای بقیه اسلامی ها بر نخورد. آنها به چنین کلمه ای نیاز دارند چون میخواهند با برخی جریانات اسلامی به توافق و معامله و زد و بند برسند و

به کارزار #من در ایران نمیتوانم نفس بکشم بیپوندید!

"من نمی توانم نفس بکشم"، بعد از کشته شدن جورج فلوید بدست نیروی پلیس در آمریکا، به شعار توده ای و گسترده ای تبدیل شد. زمانی که پلیس زانوی خود را روی گردن جورج فلوید غیرمسلح و دستبند زده گذاشته بود، صدای "من نمی توانم نفس بکشم" از او شنیده شده تا جایی که دیگر نفس نکشید!

جنبش اعتراضی که بعد از قتل جورج فلوید به راه افتاد، با وجود ویروس کرونا به خیابانها کشیده شد، جنبشی که علیه نژادپرستی، تبعیض نژادی، خشونت پلیس و ناعدالتی آغاز شد و حالا تا اعتراضات سراسری به سیاستهای ضد انسانی دولت ترامپ کشیده شده است.

و اما جمهوری اسلامی با تلاش برای سوء استفاده تبلیغی از وقایع آمریکا، دولت آمریکا را محکوم کرده تا از خود چهره مدافع مردم معترض آمریکا نشان دهد، در حالی که این حکومت جنایتکار همواره دست تا آرنج در خون شهروندان ایرانی و افغانستانی آغشته کرده و فقط در شش ماه گذشته ۱۵۰۰ نفر در خیزش آبان، ۱۷۶ نفر در هواپیمای اوکراینی و حداقل ۲۳ نفر افغانستانی را در مرز ایران و افغانستان، به قتل رسانده است.

بدینوسیله ما، ضمن اعلام همبستگی با مردم حق خواه و معترض آمریکا و نیز مردم آزادیخواه و انساندوست سراسر جهان، هر گونه تبعیض و خشونت و جنایت را محکوم میکنیم و اعلام میداریم

خواهان پایان یافتن سرکوب و کشتار انسانها در سراسر جهان و از جمله ایران هستیم و در رابطه با جامعه ایران، سرنگونی جمهوری اسلامی را اولین و مهمترین فاکتور برای رهایی مردم، می دانیم. حکومتی که زانوی خود را روی گردن زن، کارگر و معلم و پرستار و دانشجو و بیکار و بازنشسته، آتئیست و رنگین کمانی، کودک، جوان، و روی گردن مهاجرین گذاشته و حق نفس کشیدن از انسانها را در سطح میلیونی سلب کرده، محکوم به سرنگونی است.

به کارزار "من یک انسانم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم"، بیپوندید!

من یک زن هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم... من یک کارگر هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...

من یک آتئیست هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...

من یک رنگین کمانی هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...

من یک دانشجو هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...

من یک معلم هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...

من یک پرستار هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...

من یک جوان هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...

من یک بیکار هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...

من یک بازنشسته هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...

من یک بی خانمان هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...

من یک مهاجر هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...

من از اعضای خانواده جانباختگان جنایات جمهوری اسلامی هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...

من از اعضای خانواده زندانیان سیاسی هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...

فراخوان انقلاب زنانه، پایان دادن به بساط تحقیر و ظلم و ستم و شکنجه و خشونت و جنایت و بی حقوقی میلیونها انسان و توقف چرخه انسان ستیزی و انسان مکتبی است و برای تحقق این امر، شدت بخشیدن به مبارزه علیه جمهوری اسلامی در یک جدال طبقاتی و مستمر علیه این حکومت قاتلین و جلادان را ضروری میدانند.

در همین راستا از همه انسانهای آزاده در ایران، همه

زنان، جوانان، دانشجویان، کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، بیکاران، رنگین کمانی ها، آتئیستها، مهاجران و همه خانواده های جانباختگان آبان ۹۸ و زمستان ۹۶ و اعتراضات سال ۸۸ و هواپیمای اوکراینی و کشته شدگان چهار دهه گذشته و نیز از خانواده های زندانیان سیاسی، دعوت میکند به این کارزار بیپوندند! همچنین ما برای چهار دهه خشونت، جنایت و شکنجه های سازماندهی شده قانونی، دولتی و قضایی و در یک کلام حکومتی علیه انسانها در ایران اعلام دادخواهی و کیفرخواست

کرده و خواهان محاکمه تک تک آمرین و عاملین بیش از چهار دهه خشونتها و جنایات علیه انسانها در ایران و ترورها در خارج کشور به دست عوامل این حکومت هستیم. مردم ایران و مهاجرین در ایران شایسته یک زندگی انسانی و یک جامعه آزاد و برابر و سکولار و عاری از خشونت هستند و برای تحقق همین آرمان، دست از تلاش و مبارزه بر نخواهند داشت. آبان ادامه دارد...

نه به تبعیض، نه به نژاد پرستی و نابرابری جمهوری اسلامی نابود باید گردد

سرنگون باد حکومت چپاول و جنایت اسلامی

DOWN WITH THE ISLAMIC REGIME OF IRAN

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سایت حزب: www.wpiran.org

واتس اپ: +۴۴ ۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

تلگرام: @wpi_hkki

پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas

اینستاگرام: wpi91

فیسبوک: www.facebook.com/wpiran



از صفحه ۲

از جرج فلوید تا آسیه پناهی

ای فاشیسم اسلامی را. با این تفاوت که این دومی ایدئولوژی اعلام شده حکومتی است، رسمی و قانونی و صریح و عریان است، و دامنه اش بسیار از تبعیض و جنایت علیه یک نژاد فراتر می‌رود.

در جمهوری اسلامی تبعیض و بیحقوقی و تبعیضات فاحش علیه بخشهای مختلف جامعه رسمیت قانونی دارد و جزئی از ایدئولوژی و فرهنگ و اخلاقیات حکومتی است. سیاهپوست ستیزی و نژاد پرستی در آمریکا گرچه عملاً بیداد میکند اما بطور قانونی و

رسمی تمایزی بین سیاه و سفید نیست. در جمهوری اسلامی زن ستیزی، بیحقوقی مفروض و حتی توهین و تحقیر علیه زنان امری رسمی و قانونی است. پنجاه درصد جامعه قانوناً شهروند درجه چندم به حساب می‌آید و از نظر سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و حتی امور خانوادگی حقوقی کمتر از نیمه دیگر دارد. اگر در آمریکا سیاهپوست بودن جرم است در ایران زن بودن جرم است. آخرین شاهد این مدعا قتل فجیع رومینا اشرفی است که به دست پدرش و با داس

ناموس پرستی و زن ستیزی اسلامی به قتل رسید. اما تنها زنان قربانی جنایات سیستماتیک جمهوری اسلامی نیستند، افغانستانیهای مهاجر و بهائیان و همجنسگرایان و کارتن خوابها و آلونک نشینها و بیخدایان و کردها و ترکها و عربها و بلوچهای تحت ستم و تبعیض ملی را نیز باید به لیست قربانیان جمهوری اسلامی افزود.

این مصائب و ستمها و جنایات از همان آغاز با اعتراض توده های مردم ایران روبرو شده است. خیزش توده مردم در آبان ماه سال گذشته همانند اعتراضات سراسری امروز در آمریکا گسترده و کوبنده بود با این تفاوت که از همان آغاز با شلیک نیروهای سرکوبگر

جمهوری اسلامی روبرو شد. در تابستان ۸۸ و در دیماه ۹۶ نیز عیناً همین اتفاق افتاد. اعتراضات توده ای در آمریکا میتواند به تغییرات مثبت و رفرمهایی در سیستم موجود منجر بشود ولی برای مردم ایران تنها راه بزیر کشیدن جمهوری اسلامی است. خراب کردن آلونکهای خارج محدوده نشینان تهران یکی از جرقه های انقلاب ۵۷ بود و در انقلابی که در راه است نیز بی گمان آلونک نشینها و به حاشیه رانده شدگان یک نیروی محرکه و فعال انقلاب خواهند

جانان حاکم بر ایران تلاش میکنند اعتراضات توده ای مردم آمریکا را به حساب آمریکا ستیزی فوق ارتجاعی

خود واریز کنند. اما جنایات فاشیسم اسلامی در ایران فاجعه بار تر و دهشتناک تر از آنست که بتوان آنرا زیر سایه راسیسم ضد سیاه پنهان کرد. جرج فلویدها، همچنانکه آسیه پناهی ها و رومینا اشرفی ها و ریحانه جباری ها و ندا اقا سلطان ها، نه تنها قربانیان توحش حاکم بلکه نمادها و چهره های مقاومت و تعرض جهانی ای هستند که علیه این توحش، علیه فاشیسم مذهبی و نژادی، بمیدان آمده است. سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم، گام بلندی به پیش برای این مقاومت و تعرض انسانی در چهار گوشه جهان خواهد بود.*

از صفحه ۶

آمریکا: فوران شورش و خشم...

در آمریکا زن و مرد با هم برابرند و همجنسگرایان بی حقوق و زیر تهدید نیستند. و بسیاری حقوق دیگر که در اعلامیه حقوق آمریکا وجود دارد، در ایران یک صدمش هم وجود ندارد. اینها را مردم به لطف سرمایه داران بدست نیاورده اند. بلکه با خیزشها و انقلابات قرنهای گذشته علیه سرمایه داران و زمین داران عملی کرده اند. هیچ تردیدی نداشته باشید که سرمایه داران همه شان سروته یک کرباستند.

اما در ایران یک چیزهایی را مردم طی چهل سال جدال

با حکومت اسلامی سرمایه داران آموخته اند که شاید کمتر در جایی این درجه از آگاهی وجود داشته باشد. و آن اینکه مردم به تجربه دریافته اند که حقوق و آزادیهای سیاسی بدون حقوق اجتماعی و منزلت و رفاه عمومی معنا ندارد. به همین دلیل مردم فهمیده اند که برای خلاص شدن از جمهوری اسلامی باید هم علیه حکومت اسلامی بود و هم علیه حقوق بگیران نجومی و آقازاده های مفتخور. این دو را مردم در کنار هم دیده اند و از نظر

مردم بدرست تفکیک پذیر نیستند. تبعیضات طبقاتی به اشکال مختلفی در اعتراضات مورد حمله قرار میگیرد.

ترکیب اینهاست که وزن دیگری به انقلاب آتی در ایران میدهد که میتواند پاسخ مردم آمریکا را هم بدهد که چگونه خود را از شر سرمایه داران و تبعیضات طبقاتی و نژادی خلاص کنند.

اگر بحران کرونا یک آموزش داشته باشد اینست که مردم دارند وسیعاً پی میبرند که دنیای موجود از منطق انسانی برخوردار نیست. بهداشت و درمان تابع قانون سود است. انسان کارکن و تولید کننده و خدمتکار جامعه، بی حقوق و فقیر است. اعتراض به اینها اکنون

وسیعاً به گفتمان غالب در جوامع مختلف تبدیل شده است. وحتى مشاهده میکنیم که سیاست گزاران و اقتصاد دانان بورژوا دارند از برابری و رفع تبعیضات و رفاه عمومی حرف میزنند. در ایران این گفتمانها توده ای شده و وسیعاً به عرصه سیاست وارد شده و چالش جدی ای را مقابل حکومت قرار داده است. این یک گنجینه ارزشمند است که باید آنرا پاس داشت.

اعتراضات و شورشهای آمریکا اگر به جمهوری اسلامی ربطی داشته باشد اینست که دنیای کنونی خشونت پلیس آمریکا را تحمل نمیکند، و بطریق اولی خشونت صد بار بیشتر

جمهوری اسلامی را که فقط در چند روز آبان ماه هزار و پانصد نفر را قتل عام کرد، و بعد از آن در روز روشن یک هوایمی مسافربری را با موشک تعدداً سرنگون کرد، مطلقاً تحمل نمیکند و این حکومت و پلیس و پاسدار و سرکوبگرانش جایی در این دنیا دیگر ندارند و باید هرچه زودتر از صحنه جارو شوند. از این نظر شورشهای مردم آمریکا حرف دل مردم ایران را نیز بیان میکند و آن عطش یک جامعه انسانی است. کرونا دارد به خط فاصل بین دنیای دیروز و دنیایی تازه تبدیل میشود که بهتر و انسانی تر و قابل تحمل تر است. زنده باد انسانیت و آزادی و برابری!*



WE STILL NEED *MARX*
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org



جمهوری اسلامی با زهم جنایت آفرید تعدادی از مهاجرین افغان زنده در آتش سوختند

روز چهارشنبه، ۱۴ خرداد یک دستگاه اتومبیل حامل ۱۴ سرنشین از مهاجرین افغان و یک تبعه پاکستان در محور کمربندی یزد - بافق نرسیده به پل زیرگذر مورد شلیک وحشیانه نیروهای گشت انتظامی جمهوری اسلامی قرار گرفت و بلافاصله آتش گرفت. مأموران علیرغم مشاهده شعله‌ور شدن اتومبیل، بسرعت از محل گریختند.

شاهدان عینی با دست خالی و بدون وسیله اطفاء حریق، به کمک مصدومین شتافتند. مسافری در خودرو شعله‌های آتش دست و پا میزدند، سه نفر به طرز بسیار فجیعی زنده در آتش سوختند و جان دادند. پنج نفر درحالیکه بشدت سوخته بودند به کمک مردم از ماشین بیرون کشده می‌شوند و بوسیله اورژانس به بیمارستان فرخی یزد

انتقال داده می‌شوند که یکی از آنها به دلیل شدت سوختگی در بدو ورود به بیمارستان جان می‌دهد. دو نفر دیگر را بصورت اضطراری به بخش (آی سی یو) منتقل می‌کنند که گزارشاتی که دریافت کرده‌ایم وضعیت آنها بشدت وخیم است. دو نفر دیگر هم در وضعیت بسیار نامتعادلی قرار دارند. دو نفر دیگر نیز علیرغم جراحت و سوختگی فرار می‌کنند تا به دام مأمورین وحشی جمهوری اسلامی گرفتار نشوند.

نیروی انتظامی علت این حادثه را "سرعت غیرمجاز" خودرو اعلام کرده است. شاهدان عینی و رانندگان عبوری از لحظه شعله‌ور شدن اتومبیل و سوختن دردناک مسافریین ویدئو گرفته‌اند و تأیید می‌کنند که ماشین گشت نیروی انتظامی به این اتومبیل شلیک کرد و پس از مشتعل

شدن آن از محل سفارت افغانستان در تهران ضمن تأیید این خبر از جمهوری اسلامی خواسته است در این باره شفاف سازی کند.

درست یک ماه پیش در ۱۲ اردیبهشت مرزبانان حکومت اسلامی با قساوت و بیرحمی غیر قابل توصیفی بیش از پنجاه کارگر فصلی مهاجر افغان را به رودخانه هریرود ریختند که جسد ۱۹ نفر از آنان از آب گرفته شد و تعدادی از آنان نیز مفقودالثر هستند. جمهوری اسلامی این جنایت هولناک را هم منکر شد. همانگونه که شلیک سپاه پاسداران در شهرستان سراوان و هدف گلوله قرار دادن خودروی پناهندگان

افغان را که سبب کشته شدن ۳۵ نفر از آنان شد تکذیب کرد و آنرا ناشی از واژگون شدن اتومبیل به دلیل سرعت زیاد اعلام کرد. همانگونه که جنایت کشتار پناهجویان افغان در سلماس و گوردستجمعی آنان را نیز منکر شد. و همانگونه که کشتار مسافران پرواز اوکراین را سه روز لاپوشانی کرد.

جهان رفتار فاشیستی سازمان یافته حکومت اسلامی علیه شهروندان افغان در ایران را بخوبی می‌شناسد. با انکارهای این حکومت سراپا جنایت هم به خوبی آشناست. ما این جنایت

وحشیانه و سوزاندن جانخراش مهاجرین افغان را بشدت محکوم می‌کنیم و خواهان محاکمه عاملین و آمرین آن هستیم. دنیا باید این جنایات را محکوم کند. نهادهای بین المللی باید جمهوری اسلامی را به جرم اینهمه جنایت علیه مردم محکوم کنند و آنرا بایکوت سیاسی کنند. تشکل های مردمی را فرامیخوانیم که ضمن محکوم کردن حکومت فاشیست اسلامی، از حق شهروندی تمام و کمال مهاجرین افغان حمایت کنند.*

حزب کمونیست

کارگری ایران

۱۵ خرداد ۱۳۹۹

۴ ژوئن ۲۰۲۰

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

No to Capitalism Socialism Now!

شعار حکومت و نظام آیت الله های میلیاردی را بخاطر جنایاتی که در همین دوره شیوع کرونا و با گسترش بیماری ناشی از آن مرتکب شده و فقر و فلاکت بسیار سیاهتری که بر کارگران و همه مردم حاکم کرده با اعتراض و خشم و نفرت خود بجالش میکشند.

حزب کمونیست کارگری تماما در کنار مردم آمریکا و در کنار مردم ایران ایستاده است. اعتراضات و مبارزات مردم آمریکا علیه تبعیض و فقر و نابرابری بی شک الهام بخش مبارزه رهایی بخش مردم ایران علیه جمهوری اسلامی خواهد شد. بی گمان سرنگونی جمهوری اسلامی توسط انقلاب مردم و برقراری "آزادی و برابری و اداره شورایی" در ایران، بنوبه خود الهام بخش مبارزات رهایی بخش در سایر نقاط جهان خواهد بود.*

حزب کمونیست

کارگری ایران

۱۵ خرداد ۱۳۹۹

۴ ژوئن ۲۰۲۰

از جامعه یعنی زنان را اعمال میکند به بازخواست میکشند. مردم ایران با شعار "نمی توانم نفس بکشم" صدای اعتراض جرج فلویدهای ایران، کسانی چون آسیه پناهی ها و رومیناها و سحر خدایاری ها و یا پناهندگان افغان میشوند که یک ماه قبل به رودخانه انداخته شدند و کشته شدند و دیروز در اطراف یزد توسط مزدوران حکومت به آتش کشیده شدند. "نمی توانم نفس بکشم" فریاد دادخواهی علیه همه کشتارهای جمهوری اسلامی است: از کشته شدگان آبان و دیماه و شلیک به هواپیما تا قتل ندا آقا سلطان ها و از قتلهای زنجیره ای تا تیربارانهای فرودگاه سنندج و قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷. مردم ایران با شعار "نمی توانم نفس بکشم" دادخواهی کارگری را فریاد میزنند که سه روز قبل به جرم شرکت در تظاهرات اول مه ۷۴ ضربه شلاق خورد. و بالاخره با این

حتی برخی فعالین به اصطلاح چپ که موضوع را در حد اعتراض به تبعیض نژادی و سیاست های فاشیستی ترامپ و نقد "امپریالیسم آمریکا" می بینند. در این صف از همه نامربوط تر و بی شرمتر البته سران رژیم اسلامی هستند. آنها با روضه خواندن برای مرگ جرج فلوید میکوشند تا ایدئولوژی اسلامی و ضد آمریکایی را مگر باد بزنند، یا مگر بر جنایات بی شمار هر روز خود سرپوش گذارند.

در برابر این صف تقلیل دهندگان واقعیت اعتراضات اخیر البته خود مردم آزاده و آگاه آمریکا، جهان و ایران هستند. در ایران مردم در پس قتل وحشیانه جرج فلوید و تظاهرات ها و شورش های خشمگینانه و قاطع مردم آمریکا در چند روز اخیر یک اعتراض اجتماعی وسیع و رادیکال علیه وضع موجود را می بینند و از آن الهام میگیرند. فی الحال "نمی توانم نفس بکشم" به شعار مردم ایران تبدیل شده است. آنها با این شعار رژیمی که یک آپارتاید جنسیتی تمام و کمال علیه نمی

آمریکا: عصیان اجتماعی - علیه تبعیض، فقر و نابرابری!

"نمی توانم نفس بکشم" آخرین قطره ها بر کاسه صبر و تحملش بود و به ناگاه طوفان وار آنرا به وسط صحنه سیاست آمریکا و جهان کشاند.

خیلی ها نمی خواهند حقایق تکان دهنده پشت شورش اخیر در آمریکا را ببینند. از ترامپ فاشیست و نارسیسیت که

ابلهانه میخواهد آمریکا را حول سیاست های نژاد پرستانه و فوق ارتجاعی به جنگ و تعارض داخلی بکشاند تا مگر در مسند ریاست جمهوری باقی بماند، تا دمکراتهایی که میخواهند با قدری کوتاه آمدن و پذیرش برخی رفم ها این طغیان اجتماعی را رام کنند و دور بعد رئیس جمهوری را ببرند، تا مفسرین بی بی و سی و سی ان و غیره که میکوشند موضوع را در چهارچوب "تبعیض نژادی غیر قانونی" و یا بی قانونی این و آن مامور و مقام اجرایی محدود و مخاطبان خود را گمراه کنند و تا

تظاهراتها و شورش هایی که در اعتراض به قتل وحشیانه جرج فلوید توسط پلیس در صدها شهر در آمریکا و سایر نقاط جهان برپا شده، یک نقطه عطف تاریخی را رقم میزند. این فقط اعتراضی به قتل فجیع و بیرحمانه یک مرد سیاهپوست توسط پلیس نژادپرست آمریکا نیست، این فقط اعتراضی به بقاء جان سخت تبعیض نژادی در جامعه آمریکا نیست. این قبل از هرچیز شورش بی سابقه و آشتی ناپذیر علیه شقاوت و بی اعتنائی حاکمان حاضر جامعه نسبت به جان و حرمت انسان است. زمینه های مادی عمیقتر تظاهرات ها و راهپیمایی های گسترده چند روز گذشته، اعتراض به فقر و نابرابری و تعمیق شکاف بین فقیر و غنی است که بطور وحشتناکی روبه افزایش است و در دوره کرونا بمراتب بیشتر شد. به یک معنی این "شورش گرسنگان" است که ناله های حزن انگیز جرج فلوید که



توحش زده اند. این جامعه ای است که علیرغم این جنایات و توحش حاکمین، بارها بپا خاسته و فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده است. این کارگر علیرغم محدودیتها و ممنوعیتهای حاکمین، هرروز دارد اعتراض و اعتصاب میکند و حقوقش را طلب میکند و فریاد اداره شورایی سر میدهد. این جامعه ای است که دختران و پسرانش مراسم و عزاداریها و اعیاد و مقدسات اسلامی حکومت را در برابر چشم فسیلهای عقب مانده حاکم به سخره میگیرند. پاسخ این جامعه به شلاق زدن کارگر و تعرضات حکومت، قطعا بیخاستن مجدد در ابعادی به مراتب عظیم تر از آبان و دی ماه است. پاسخ این جامعه

شلاق زدن کارگر، با فریاد نابود باد حکومت اسلامی جواب میگیرد

این یک گستاخی تمام عیار نسبت به کارگران و مردم و کل بشریت است. برگزاری اول مه حق بدیهی و بی چون چرای کارگران است. مجازات شلاق و تمام مجازاتهای اسلامی به عهد حجر و عقب ماندگی و بربریت تعلق دارد و جایش در این جامعه نیست. این توحش کنیف اسلامی را با شعار نابود باد حکومت اسلامی جارو خواهیم کرد. یک مشت فسیل جنایتکار بر این جامعه چنگ انداخته اند و بر اساس احادیث گنبدیده و کپک زده اسلامی شان میخواهند جامعه را زیر سیطره خویش نگه دارند و بارها نسبت به کارگران دست به جنایت و

شعار سراسری نابود باد حکومت اسلامی است. ما اعلام میکنیم که شلاق زدن رسول طالب مقدم از سندیکای واحد توسط حکومت اسلامی را به موضوع اعتراضی گسترده تبدیل خواهیم کرد و در سطح بین المللی همه کارگران و تشکلهای کارگری و انساندوست را به اعتراض به این جنایت فرا خواهیم خواند. رسول طالب مقدم باید آزاد

حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۳ خرداد ۱۳۹۹
۲ ژوئن ۲۰۲۰

برای نجات جان میلیونها انسان و بقای جامعه، باید مراکز تولیدی، زندانها و پادگانها فوراً تعطیل شوند!



- روز ۷ خرداد کارگران شهرداری اهواز در منطقه کوی علوی (شلنگ آباد) به دلیل عدم پرداخت حقوقشان دست به اعتصاب زدند.

- روز شنبه ۱۰ خرداد برای یازدهمین روز متوالی، کارگران شهرداری شاهین شهر در اعتراض به قراردادهای غیر مستقیم و موقت کاری، نداشتن امنیت شغلی، عدم اجرای طرح طبقه بندی و کاهش حقوق و تعویق پرداخت دستمزدها به اعتصابشان ادامه دادند و مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند.

- روز ۵ خرداد ماه برای سیزدهمین روز متوالی، کارگران مناطق ۴، ۵ و ۶ شهرداری اهواز در اعتراض به عدم رعایت اصول بهداشتی در چارچوب مقابله با ویروس کرونا و پرداخت نشدن به موقع دستمزدهایشان به طور هماهنگ دست به اعتصاب زده و در محل کار خود تجمع کردند.

- روز ۲۹ اردیبهشت، کارگران شهرداری اروند کنار آبادان در استان خوزستان برای سومین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق دست از کار کشیدند و مقابل ساختمان این شهرداری تجمع کردند. - روز ۳۱ اردیبهشت کارگران شهرداری خرمشهر برای چندمین روز متوالی در اعتراض به تعویق پرداخت ۴ ماه مزد و همچنین عیدی و حق اضافه کاری هایشان

- روز ۴ خرداد کارگران شهرداری بندرامام در اعتراض به تعویق پرداخت ۵ ماه دستمزد و دیگر مطالباتشان برای دومین روز مقابل شهرداری ماهشهر تجمع کردند. - صبح روز اول خرداد، کارگران سازمان پسماند شهرداری بجنورد در اعتراض به قراردادهای موقت یکساله مقابل ساختمان شهرداری و شورای اسلامی شهرتجمع کردند و خواهان عقد قراردادهای دائم شدند.

اعتراض و اعتصاب کارگران

شهرداری ها در ۱۵ شهر

پیش بسوی اعتصابات سراسری، پیش

بسوی ایجاد شوراها

میکنید:

- روز ۷ خرداد کارگران شهرداری باسمنج آذربایجان شرقی مقابل شهرداری در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود دست به تجمع زدند.

- روز ۷ خرداد کارگران شهرداری سراوان در استان سیستان و بلوچستان نسبت به عدم دریافت چندین ماه حقوق عقب افتاده خود دست به اعتراض زدند. کارگران شهرداری سراوان می گویند: «سه ماه است که مطالبات ما پرداخت نشده است و عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران شهرداری سراوان، موجب شده که در وضعیت نامناسب اقتصادی به سر ببریم»

طی بیست روز اخیر کارگران شهرداری برای پیگیری خواستها و مطالباتشان در حداقل پانزده شهر یعنی در شهرهایی چون تهران، کرج، اهواز، شاهین شهر، بجنورد، مشهد، بندر امام، اروند کنار، منجیل، سراوان، خرمشهر، یاسوج، کوت عبدالله، گلستان و روانسر دست به اعتصاب و تجمع زده اند. محور مشترک همه این اعتراضات، اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و حق بیمه، قراردادهای موقت کاری و نداشتن امنیت شغلی و شرایط اسفناک کاری است.

در زیر روزشماری از اعتراضات کارگران شهرداری در بیست روز اخیر را ملاحظه

انصراف جعفر عظیم زاده از حضور در بیدادگاه رژیم



انصراف عظیم زاده دبیر هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در تماسی تلفنی از بند هشت زندان اوین اطلاع داده است که روز دوشنبه ۱۲ خرداد جهت برگزاری جلسه رسیدگی به اتهام به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اعزام میگردد. بنا بر خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران او از حضور در جلسه دادگاه انصراف داده و متن انصراف خود را به شرح زیر به مسئولین بند ۸ زندان اوین تحویل داده است:

"باستحضار میرساند اینجانب جعفر عظیم زاده با توجه به ارائه دفاعیات لازم در شعبه دوم بازپرسی ناحیه ۳۳ اوین، انصراف خود را از شرکت در محکمه شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اعلام و منتظر صدور حکم میمانم.

بدیهی است چنانچه دادگاه مذکور نیز به رویه غیرقانونی که در شعبه دوم بازپرسی دادرسی اوین حاکم بود ادامه داده و حکمی غیرعادلانه علیه اینجانب صادر کند اینبار به محکمه وجدان عمومی مراجعه و دفاعیات خود را رو به مردم ایران و در حضور هیئت منصفه ای هشتاد میلیونی ارائه خواهیم کرد."

جعفر عظیم زاده در حالیکه هفده ماه است که در حبس بسر میبرد، بر اساس بخشنامه مورخ ۲۵ اسفند ۹۸ خود حکومت تحت عنوان "آزادی زود هنگام زندانیان" باید تا کنون آزاد میشد. اما نهادهای امنیتی و مقامات قضایی برای ممانعت از آزادی اش و به بهانه های واهی از اواخر سال گذشته اقدام به پرونده سازی جدیدی نموده اند و در روز ۱۵ اردیبهشت نیز در شعبه دوم بازپرسی محاکمه ای علیه او انجام شد. سپس ظرف مدت بسیار

کوتاهی از ۲۲ اردیبهشت تا ۱۲ خرداد یعنی در فاصله ای بیست روزه با عجله پرونده وی را تکمیل کرده و اکنون در شعبه ۲۶ "دادگاه انقلاب" برای وی بیدادگاهی برپا کرده اند تا با صدور حکمی فرمایشی به ادامه بازداشت او رسمیت دهند. این پرونده سازیهایی بخشی از سیاست سرکوب حکومت در قبال کارگران معترض است. قوه قضائیه در اقدامی خصمانه به یک پرونده سازی جدید علیه جعفر عظیم زاده دست زده است.

جعفر عظیم زاده این چهره شناخته شده کارگری به جرم دفاع از حقوق کارگران و زندانیان در بند در بازداشت بسر میبرد. او از رهبران طومار ۴۰ هزار امضا با خواست افزایش دستمزدها است. کارزاری که با خود جنبش برای خواست افزایش دستمزدها را گام مهمی به جلو برد و این جنبش امروز با شعار خط فقر ۹ میلیون

حقوق ما دو میلیون در میدان است. جعفر عظیم زاده همچنین از رهبران کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و تمامی زندانیان سیاسی است که در سال ۹۵ طی نامه مشترکی با اسماعیل عبدی از معلمان معترض که او نیز هم اکنون در زندان است و طی پرونده سازی جدیدی ده سال دیگر حکم زندان گرفته است، اعلام گردید. این کمپین سرعت اجتماعی شد و امروز ابعادی اجتماعی دارد. جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبدی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.*

کمپین برای آزادی

کارگران زندانی

<http://free-them-now.com/>

Shahla.daneshfar2

@gmail.com

۱۲ خرداد ۹۹

۱ ژوئن ۲۰۲۰

فرمانداری شهرستان بهارستان*
پیش بسوی
اعتصابات سراسری
حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۲ خرداد ۱۳۹۹
۱ ژوئن ۲۰۲۰

موقت کاری خود در محوطه عمارت تاریخی ساعت این شهر تجمع کرده اند.
- روز ۱۸ اردیبهشت، کارگران فضای سبز شهرداری شهرگلستان در اعتراض به عدم پرداخت ماه ها حقوق دست به تجمع مقابل

عبداله در دومین هفته اعتراضاتشان بخاطر نپرداختن دو ماه حقوق و حق سنوات سال ۹۸ خود دست از کار کشیده و تجمع کردند.

- روز ۲۲ اردیبهشت، کارگران پیمانی شهرداری منجیل در ادامه اعتراضاتشان بخاطر عدم تبدیل وضعیت قراردادهای دائم و سطح پایین حقوقها تجمع کرده و خواستار حذف شرکت پیمانکاری و عقد قرارداد دائم شدند.

- روز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه، جمعی از کارگران شهرداری روانسر نسبت به عدم دریافتی دو ماه حقوق خود دست به اعتراض زدند.

- ۲۱ اردیبهشت تعدادی از کارگران شهرداری تبریز در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و قراردادهای

اعتراض و اعتصاب کارگران شهرداری ها در ۱۵ شهر...

از صفحه ۱۳

داشتند.
- روز ۲۶ اردیبهشت پاکبانان حمیدیه در تماس با رسانه های دولتی اعتراض خود را به تعویق ماهها دستمزد و عدم اختصاص امکانات پیشگیری از بیماری کرونا توسط شهرداری اعلام داشتند. این کارگران در روز قبل از آن تجمع داشتند.
- روز ۲۴ اردیبهشت، جمعی از کارگران شهرداری منطقه ۳ کرج در اعتراض به عدم تحقق مطالبات معوقه و شرایط به شدت بفرنج معیشتی خود دست به تجمع زدند.
- روز ۲۳ اردیبهشت کارگران شهرداری کوت

دست به تجمع زدند.
- روز ۲۷ اردیبهشت، کارگران فضای سبز ناحیه ۳ منطقه ۲۰ شهرداری تهران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق فروردین ماه و عیدی و سنوات پایان سال، نداشتن امنیت شغلی و عدم وجود تجهیزات بهداشتی لازم در مقابل با کرونا اعتراض کردند.
- روز ۲۶ اردیبهشت پاکبانان یاسوج طی نامه ای سرگشاده به رسانه ها اعتراض خود را به معوقات مزدی ۴ ماهه خود و عدم اختصاص امکانات پیشگیری از ابتلاء به بیماری کرونا و از جمله عدم دریافت ماسک و دستگس از طرف شهرداری اعتراض

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

www.anternasional.com